

تربیت نظام و تربیت بهائی در اصفهان*

ایرج افشار

پیشکشی ناچیز به جلال همائی استاد اصفهانی

می‌دانیم وفات خواجه نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق (۴۱۰-۴۸۵) وزیر نامدار و مقتدر و بافضل و کمال به‌گفته صاحب تجارب‌السلف در «بروجرد که از شهرهای لر کوچک است»^(۱) اتفاق افتاد. ولی مرحوم عباس اقبال در دنبال تحقیقات خود موضع قتل را در محلی بین همدان و کرمانشاه ضبط کرده است.^(۲)

پس از این واقعه، به‌قول صاحب تجارب‌السلف «غلامان و متعلقان خواجه شخص او را در اصفهان بردند و در محله کران»^(۳) در موضعی که جوی آب بزرگ در میان آن مقام رود بغایت نزه و خوش دفن کردند و آن مقام را اهل اصفهان تربیت نظام گویند.^(۴)

اما مرحوم عباس اقبال براساس استنباط از قطعه‌ای که معزی در مدح خواجه ابوالمحاسن شهاب‌الاسلام عبدالرزاق بن عبدالله بن اسحاق برادرزاده خواجه نظام‌الملک وزیر سنجر در ۵۱۱ سروده است در باب موضع قبر نظام‌الملک شکی را اظهار کرده است که باید نقل کرد:

*. بررسیهای تاریخی، شماره ۱ و ۲، صص ۱ تا ۴.

«عم او صدر وزیران از فراست گفته بود
 عبد رزاق است فخر دوده و تاج تبار
 این فراست بین که در فرجام کار آمد پدید
 آنچه آن پیر مبارک گفت در آغاز کار
 ای شمال مشکبو، ای رهنمود زود رو
 چون ز شهر بلخ باشد بر نشابورت گذار
 این زبان بندگان صدر ماضی را بگو
 چشم بگشا و ز خواب خوش زمانی سر برآر
 تا ببینی پور خویش و نور چشم خویش را
 پیش سلطان در وزارت بر بساط افتخار»...الخ

این قطعه معزی اگر اشتباه نکنم صریح است که خواجه نظام الملک عم عبدالرزاق صدر ماضی در موقع انتصاب عبدالرزاق به وزارت سنجر یعنی در ۵۱۱ یعنی ۲۶ سال بعد از مرگ خود در نشابور «خواب خوش» بوده، یعنی تربت او در آن شهر که مقام خانوادگی ایشان محسوب می شده قرار داشته در صورتی که صاحب تجارب السلف محل قبر خواجه را در اصفهان به تصریح معین می کند. یا باید بگوئیم در نسخه های دیوان معزی (که از آن الان دو نسخه در زیر دست من است) «نشابور» غلط است و «صفاهان» بوده و یا آنکه بعد از مدتی نعل خواجه را به نشابور انتقال داده و در تربت خانوادگی ایشان دفن کرده اند. به هر حال این اشکال باقی و مستلزم تحقیق دقیق تری است که علی العجالة فرصت آن نگارنده را میسر نیست.»^(۵)

دکتر لطف‌الله هنرفر در کتاب نفیس «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» صفحاتی از کتاب را به توصیف «تربت نظام» (که مصطلح تجارب‌السلف است) و آرامگاه ملک‌شاه سلجوقی در اصفهان اختصاص داده است^(۶) و به اسلوبی پسندیده وضع هنری و معماری بقعه را وصف کرده است. خلاصه کلام ایشان این است که صورت فعلی قبر منسوب به نظام‌الملک در افواه مردم در همان محل است که صاحب تجارب‌السلف مذکور داشته است و این محل به دارالبطیخ مشهور است که در تلفظ عامه به صورت استعمال می‌شود و گورهای افراد دیگری هم درین وضع هست. اما سنگ قبری که بر گور خواجه موجود است سنگی است از مرمر که بر آن آیات قرآنی را به خط ثلث نقر کرده‌اند، مگر در جبهه بالای سر عبارتی دارد بدین شرح:

«واصل گشت بجوار مرحمت^(۷) و غفران و فایز شد به غرفات جنان و روضه رضوان حضرت مغفرت‌مآب قیام به صفت رحمان دیان...المفاخر و افتخار الاکابر و اعظم الوزراء..، خواجه...الملک»،^(۸) و این بود فشرده‌ای از نوشته دکتر هنرفر.

چنانکه ملاحظه می‌شود در سه مورد از منقورات مذکور در فوق شکستگی و افتادگی وجود دارد و عبارت ناقص شده است، ولی به قرینه «الوزراء» و «خواجه» و «الملک» و شهرت و نسبتی که این موضع از زمان وفات خواجه نظام‌الملک به محل قبر او داشته است این سنگ و صورت قبر را همه از آن خواجه دانسته‌اند. و هنوز هم می‌دانند!

البته همانطور که ایشان توجه داده است سنگ مذکور سنگی است از اوایل عهد صفوی و باید اضافه کرد که علی‌العادة استفاده از سنگ مرمر برای قبر

– تا آنجا که من در مزارات یزد و فارس و حوالی اصفهان و خراسان دیده‌ام – از قرن نهم به بعد دیده می‌شود و این سنگ هم باید از قرن دهم/یازدهم هجری باشد. اسلوب کنده‌کاری و نقوش سنگ تماماً دال است بر صفوی بودن آن – اصولاً ممکن است که پس از دفن خواجه به علل تبدلات حکومت، سنگی بر گور خواجه نصب نشده باشد (اگرچه فرزندانش و نوادگانش مدت‌ها در رأس امور وزارت و استیفای سلجوقیان بودند)، و بالأخره توجه سلاطین صفوی به بعضی از مآثر قدیم موجب نصب سنگ مورد بحث شده باشد.

اینک با وجود شک مرحوم اقبال و البته با توجه به آنچه آقای هنرفر در کتاب خود نوشته است اطلاعی را که از نسخه‌ای خطی موسوم به «المختارات من الرسائل»^(۹) در موضوع و موضع قبر نظام‌الملک به دست می‌آید درینجا می‌آورم و آن متن گواهی و محضری است مورخ ۵۵۰ هجری، یعنی نوشته‌ای که شصت و پنج سال پس از قتل خواجه تنظیم شده است و مدتی قریب به ۱۷۵ سال بر تجارب‌السلف مقدم است و از حیث مضمون و مطلب بر آن مرجح. این است متن «محضر» مورد نظر:

«گواهی دهند معتمدان و ثقات که خطوط خویش آخر انی محضر نوشته‌اند از علم و معرفت، بی‌اکراهی و اجباری، تقریباً الی الله سبحانه و ابتغاء مرضاته که خواجه سعید بها[ء]الملک ابوالفتح عبدالکریم بن صاحب‌الشهید نظام‌الملک ابوعلی الحسن بن علی بن اسحق وقف کرده جمله آسیائی که به قرین صحرای دیه سنباد جان^(۱۰) است از رستاق النجان از کوره اصفهان و حدی از آن می‌شود با زمینی که معروف است به عبدالله بن ابی‌بکر بن موسی قدیماً و اکنون معروف است به خداداد بن سلیمان و حدی با ایرشیب^(۱۱) این

آسیا و جوی هرزاب و زمینی که معروف است به زمین باغ دز و حدی با ایرشیب این آسیا و حدی با طریق و ممر و این آسیا معروف است به آسیای باغ دز. این آسیا را به همه حدود و حقوق و مرافق و آلات حجری و حدیدی و خشبی وقفی درست شرعی محکوم به جمله شرایط چنانک وقیقت و قفیت بدان ناطق است بر جایگاهی که اکنون تربت واقف است و این تربت جمله خانه‌ای است در سرایی که معروف است به نظام‌الملک به اصفهان در محلت خوشینان^(۱۲) معروف به تربت نظام از جانب چپ داخل مقابل تربت نظامی، و این سرای مستغنی از تحدید به حکم شهرت، و حد این خانه که جای مرقد واقف است و حدود این خانه با صفة این سرای است و با خربه و دهلیز این سرای و با صحن این سرای.

و ولایت این وقف مفوض کرد به شیخ سدید مقری محمد ابن عبدالرزاق بن محمد یعرف بالانماطی تا او از حاصل ارتفاع و مستفل این آسیا عمارت آسیا و اصلاح و مرمت مرقد واقف بکند و بعد از آن فاضلی که باشد آن صرف کند با مصالح خود به حکم سعی او در مصالح این وقف و قیام به مهمات آن، و فرمود تا درین تربت به قرآن خواندن و دعای خیر او و اسلاف او مشغول باشد، و این فاضل بحق این عمل نیز او را بود و او را دستوری داد تا هرکه خواهد درین ولایت و عمل گمارد در حال حیات و ممات، تفویضی و اذنی درست شرعی به جمله شرایط، و این شیخ سدیدالدین محمد بن عبدالرزاق را این ولایت مفوض کرد با فرزندان خود خواجه عقیف محمود و بست المعالی و تاج‌الحویة، تفویض درست شرعی محکوم به بر آن وجه که با او مفوض بود به شرایط بعد از آنک ایشان را اهل این ولایت و عمل دانست و اکنون این ولایت

شروعاً با ایشان مفوض دانند به حکم این تفویض، و برین جمله گواهی دهند متقربین الی الله تعالی، و کتب فی ذی قعدة سنة خمسين و خمس مائة.

پس از این «گواهی» تاریخی مهم - استنباط می‌شود که «تربت نظام» در سال ۵۵۰ هجری قمری شهرت و نام سرائی بوده است که در یکی از خانه‌های آن (یعنی حجرات آن) تربت فرزند خواجه نظام الملک به نام عبدالرحیم (و ملقب به بهاءالملک) قرار داشته است و این قسمت خود به نام «تربت بهائی» مشهور بوده است به استناد گواهی دیگری از آن سال پانصد و هشتاد و پنج هجری که هم در آن مجموعه مضبوط است و متنش چنین است:

«در تاریخ ماه جمادی‌الاولی سنه خمس و ثمانین و خمس مائة که از جانب صدر اجل نظام‌الدین عمادالاسلام نسب‌الوزراء ابوعلی - الحسن بن اسحاق بن عثمان بن نظام‌الملک دام علوه دعوی رفت که او را استحقاقی ثابت است در آسیائی که وقف تربة بهائی است در اصفهان و این آسیا در دیه شنباذجان است از رستاق النجان از کوره اصفهان و حدی از آن می‌شود با زمینی که معروف است به خداداد بن سلیمان و حدی با ایر شیب این آسیا و جوی هرزاب و زمینی که معروف است به باغ دز و حدی با ایر شیب این آسیا و وحدی با طریق و ممر، و این آسیا معروف است به آسیای باغ دز و جماعتی سرپوشیدگان سست المعالی و تاج‌النساء و تاج‌الحیوة بنات‌الشیخ المقری محمد بن عبدالرزاق بن محمد المعروف بالانماطی که صاحب ید و متصرف بودند درین آسیا انکار استحقاق صدر نظام‌الدین کردند و نمودند که این آسیا جمله وقف است برین تربة بهائیة و ولایت این وقف پدر ایشان را بودست و بعد از آن ولایت این

سرپوشیدگان راست، و فاضل ارتفاع این آسیا بعد عمارة الریحی و عمارة مرقدالواقف و اصلاحه و مرمرته حق ایشان است.

و در حضرت مولانا ولی الانعام امام معظم صدر کبیر مؤید مظفر منصور صدرالدین رکن الاسلام والمسلمین ملک ملوک العلماء فی العالمین سلطان الائمة رئیس الرءساء العراق شافعی الزمان صاحب القرآن حرس الله ظلالة این حال عرض افتاد و از طرفین تشبث رفت بدین حضرت اجلها الله تا فصل این خصومت کرده شود و حق بر مستحق مقرر فرماید و اشارت فرمود این خادم را تا بر سبیل توسط در خدمت جماعتی از ائمه و کبار علماء نظری افکند تا فصل این خصومت کرده شود، اما به مرأضاة و مسالحت، اگر از جانبین مساعدت کنند و اگر از مصالحت امتناع رود بر مقتضی شریعت و وفق ملت تقدیر کرده شود بر مستحق. و این خادم در خدمت ائمه برین موجب پیش گرفت و البته و اصلا از جانب سرپوشیدگان به مصالحت راضی نمی شدند و وثایق شرعی و سجل قضاة و اقرار صدر نظام الدین عرض کردند بر وفق دعوی خویش و بر اینکه این آسیا وقف است برین نسق که ایشان می گفتند و هیچ حق صدر نظام الدین در آن نیست و چون ظاهر این وثایق چنین بود تقریر کرده شد برین سرپوشیدگان تا بدان قیام می نمایند و شرایط وقف به جای می آوردند و از هیچ جائی مزاحمتی و منازعتی نکنند ایشان را درین باب تا ثواب آن به واقف می رسد ان شاء الله، و هذا خط عبدالمنعم بن المظفر بن علی و کتب فی التاریخ.

حال چنین رفت که نوشته‌اند و ظاهر کار که برآمدن اطلاع تواند بود چنان می‌نمود که حق سرپوشیدگان است، کتبه العبدالضعیف رجا بن محمد بن هبة الله بن عبدالوهاب بخطه فی تاریخه.

حق بر مستحق مقرر داشتن از لوازم شرع است و از مواجب دین، کتبه محمد بن معمر بن الفاخر بخطبه حامدا و مصلیا.

ضمناً گفته شود که ازین سند دوم نام یکی از نوادگان خواجه به نام نظام‌الدین ابوعلی حسن و پدرش اسحق بن عثمان بن نظام‌الملک به دست می‌آید که اولی در سال ۸۵۸ در قید حیات بوده است و هموست که مدعی استحقاقی از باب مالکیت در آسیای مورد دعوی و وقفی شده. نام این ابوعلی حسن و پدرش اسحاق در جدول اسامی خاندان خواجه نظام‌الملک که به زحمت مرحوم عباس اقبال ترتیب یافته است^(۱۳) نیامده. و این خود اطلاعی است مفید درباره خاندان خواجه.

یادداشت‌ها:

۱. تجارب‌السلف از هندوشاه نخجوانی، تصحیح عباس اقبال، ص ۲۸۰-۲۸۱ (در دستورالوزراء یکی از قصبات لر کوچک یاد شده است. چاپ سعید نفسی، ص ۱۶۶)
۲. وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، از عباس اقبال، ص ۴۹
۳. طبق گفته لطف‌الله هنرفر احمدآباد کنونی نام جدیدی برای کران است (گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۴۵)
۴. تجارب‌السلف، ص ۲۸۰-۲۸۱
۵. وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، ص جدول ملصق بین صفحه ۵۰
۶. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۳۳-۲۳۷.
۷. علی‌الظاهر «رحمت»
۸. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۳۷

۹. المختارات من الرسائل مجموعه‌ای است از فرامین و احکام و وثایق و ترسلات قدیم که توسط دانائی گمنام جمع‌آوری شده است و نسخه‌ی ظاهراً منحصر از آن مورخ به سال ۶۹۳ هجری در کتابخانه‌ی وزیری در یزد موجود است و به صورت عکس در سلسله انتشارات انجمن آثار ملی آن را به طبع رسانیده‌ام و بزودی نشر خواهد شد.
۱۰. نام این دیه به صورت شنبادجان و سنبادجان مضبوط شده است.
۱۱. این اصطلاح که دو بار در این سند مصرحاً به صورت ایرشیب و دو بار در سند دیگر به صورت «ایرسیب» و «ایرسب» آمده است در کتب رایج لغت دیده نشد. البته «ابر» و «ایر» هست.
۱۲. این محله بسیار معروف و نامش در بسیاری از کتب قدیم مربوط به اصفهان آمده است، از جمله در ذکر اخبار اصفهان از حافظ ابونعیم اصفهانی.
۱۳. وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، ص جدول ملصق بین صفحات ۳۲۰ و ۳۲۱